

مقدمه مؤلفان

یه سلام پاییزی خدمت همه دانش‌آموزای دهمی که قراره همراهان جدید ما در درس عربی باشن و به کمک هم برای امتحان نهایی عربی پایه دهم آماده بشیم ...

بچه‌ها! از وقتی که قرار شد دروس پایه دهم هم در نتیجه کنکور دارای تأثیر قطعی بشه، ما به تکاپو افتادیم که خب ...، چه کنیم که بهترین کمک برای عزیزان دهمی ما در درس شیرین عربی باشه؟ ... خیلی فکر کردیم و مشورت کردیم و ... خلاصه تصمیم گرفتیم که یه کتاب کامل و همه‌چی تموم براتون آماده کنیم که همه جوانب امتحان نهایی رو پوشش بده و بتونه شما رو برای کسب نمره کامل یعنی بیست آماده کنه؛ پس با توکل بر خدا کار رو آغاز کردیم و این کتاب پربار رو نوشتیم.

حالا بریم ببینیم این کتاب چه بخش‌هایی داره و چه‌جوری باید باهاش ارتباط بگیریم!

هر درس رو با قسمت «واژگان» شروع کردیم که همه واژه‌های مهم درس رو با ترجمه و بیان نکات مهم و طلایی آوردیم. این واژگان رو به همون ترتیبی که در کتاب اومده، آوردیم که شما بتونین خطبه‌خط از روی کتاب درسی جلو برین و تموم واژه‌های مهم رو یک دور مرور کنین. تازه نکات طلایی و دام‌های اون واژه رو هم یاد بگیرین. این نکات طلایی گاهی شامل نکات قواعدی اون کلمه هست که در درس‌های گذشته خوندید، گاهی شکل مفرد یا جمع اون کلمه است و گاهی هم مترادف و متضاد اون کلمه و گاهی هم دام‌هایی در مورد اون واژه که ممکنه یه تله بزرگ برای شما باشه و ما خواستیم پیشاپیش بهتون یاد بدیم.

بعد از بخش واژگان می‌رسیم به جملات مهم متن درس و تمرینات که این دفعه براتون ترجمه نکردیم، بلکه سعی کردیم به صورت جای خالی و دوگزینه‌ای و ترجمه غلط و ... بیاریم که هم جملات مهم متن درس و تمرینات رو ببینین، هم با همکاری خودتون ترجمه‌شون کنیم که همیشه یادتون بمونه!

قسمت بعدی هر درس هم **سؤالات مربوط به ترجمه واژگان و جملات مهم** هست که تیپ‌های امتحان نهایی مربوط به اون درس رو براتون آوردیم. مطمئن باشین اگر همین سؤالات رو به طور کامل پاسخ بدین، نمره کامل این بخش توی امتحان نهایی رو شاخشه!!!! ترجمه واژه در قالب جمله، نوشتن مترادف و متضاد و جمع و مفرد، ترجمه دوگزینه‌ای، پرکردن جای خالی و اصلاح ترجمه غلط بخش‌هایی از این قسمت مهم هستند.

اما قسمت بعدی هر درس که تدریس **قواعد درس** به همراه حل نمونه سؤالات از قواعد هست؛ نمونه سؤالاتی که عمدتاً از متن دروس قبلی آوردیم و سعی کردیم کم‌تر از متن همان درس در این قسمت استفاده کنیم. در بخش قواعد سعی کردیم همه نکات امتحانی کتاب درسی رو بیان کنیم که بهترین نمره امتحان رو کسب کنید.

بعد از تدریس قواعد، **نمونه سؤالات قواعدی** هر درس اومده که این‌جا هم سعی شده تمام تیپ‌های امتحان عربی نهایی رو بیاریم که از همین الان با سبک امتحان نهایی آشنا بشین و خدای نکرده سر جلسه امتحان نهایی براتون غریب نباشه. راستی در پایان هر درس هم یه امتحان شبه‌نهایی آوردیم که خیلییییی شبیه به امتحان نهایی طرح شده، اما برای دیدنش باید لطف کنین لینک QR-code رو با گوشیاتون اسکن کنین و به صورت PDF ببینیدش!

در **انتهای کتاب دو نمونه امتحان ترم اول و همین‌طور چهارتا امتحان شبه‌نهایی** از کل کتاب آوردیم که خیلی آماده بشین! راستی **پاسخ‌نامه تشریحی** همه سؤالات کتاب رو هم آوردیم که تا اونا رو نخونین، یادگیری تون کامل نمی‌شه!

بچه‌های عزیز سال دهم! نکته مهم و کاربردی اینه که مطالب عربی دهم بسیار پایه‌ای و اساسی برای یادگیری عربی یازدهم و دوازدهم هست و باید سعی کنین امسال یه تلاش جانانه توی عربی داشته باشین و حسابی روی این درس وقت بگذارین و مطمئن باشین ضرر نمی‌کنین!

در آماده‌سازی این کتاب عزیزان بسیاری به صورت مستقیم و غیرمستقیم نقش داشتن که جا داره از تک‌تک‌شون تشکر کنیم؛ خانواده‌های عزیزمون که اگر همراهی اون‌ها نبود که ما حالا حالاها نمی‌تونستیم تألیف رو تموم کنیم. همکاران محترم انتشارات وزین خیلی سبز که جز با یاری و مساعدت‌هاشون کار به این خوبی انجام نمی‌شد خصوصاً آقای احمد علی‌نژاد که لحظه‌به‌لحظه همراهمون بودن و با نظرات کارشناسانه این کتاب رو به نتیجه رسوندن! همین‌طور همکاران محترم و اساتید زبان عربی که در ویراستاری این کتاب خیلی زحمت کشیدن خصوصاً خانم منیژه خسروی، خانم مهدیه زندیه و آقای محمد رمزی. همین‌طور سایر همکاران محترم واحدهای فنی، تولید، فروش، مدیریت پروژه، روابط عمومی و ... انتشارات خیلی سبز که در تکمیل این کتاب نقششون بسیار مهم و ستودنیه.

در پایان از همه همکاران گرامی و معلمان دلسوز درس عربی و دانش‌آموزان با سواد و دقیق خواستاریم هر پیشنهاد یا انتقادی در جهت ارتقای کتاب دارن، از طریق ایمیل Hashemi.hadi2000@gmail.com با ما در میون بگذارن.

سید هادی هاشمی - حسین منصوری

فهرست مطالب

درس ششم: ذوالقرنین

صفحه

- پخش اول: واژگان و ترجمه ۵۷
- پخش دوم: سؤالات واژگان و ترجمه ۶۰
- پخش سوم: قواعد درس - الفَعْلُ المَجْهُولُ ۶۲
- پخش چهارم: سؤالات قواعد ۶۳
- آزمون شبه‌نهایی درس ۶ ۶۴

درس هفتم: يامن في البحار عجايبه

- پخش اول: واژگان و ترجمه ۶۵
- پخش دوم: سؤالات واژگان و ترجمه ۶۸
- پخش سوم: قواعد درس - أَلْجَاؤُ وَ الْمَجْرُوءُ وَ نَوْنُ الْوَقَايَةِ ۷۰
- پخش چهارم: سؤالات قواعد ۷۲
- آزمون شبه‌نهایی درس ۷ ۷۳

درس هشتم: صناعة التلميع في الأدب الفارسي

- پخش اول: واژگان و ترجمه ۷۴
- پخش دوم: سؤالات واژگان و ترجمه ۷۷
- پخش سوم: قواعد درس - اِسْمُ الْفَاعِلِ وَ اِسْمُ الْمَفْعُولِ وَ اِسْمُ الْمُبَالِغَةِ ۷۹
- پخش چهارم: سؤالات قواعد ۸۲
- آزمون شبه‌نهایی درس ۸ ۸۳
- پاسخ‌های تشریحی کتاب ۸۵

ضمیمه: امتحانات شبیه‌ساز نهایی

- امتحان شماره ۱: نوبت اول (میان سال) ۱۰۲
- امتحان شماره ۲: نوبت اول (میان سال) ۱۰۴
- امتحان شماره ۳: نوبت دوم (پایان سال) ۱۰۶
- امتحان شماره ۴: نوبت دوم (پایان سال) ۱۰۸
- امتحان شماره ۵: نوبت دوم (پایان سال) ۱۱۰
- امتحان شماره ۶: نوبت دوم (پایان سال) ۱۱۲
- پاسخ امتحانات ۱۱۴

درس اول: ذاك هو الله

صفحه

- پخش اول: واژگان و ترجمه ۵
- پخش دوم: سؤالات واژگان و ترجمه ۶
- پخش سوم: قواعد درس - صَيَغُ الْأَفْعَالِ، الضَّمَايِرُ، مَعْنَى الْأَفْعَالِ ۸
- پخش چهارم: سؤالات قواعد ۱۶
- آزمون شبه‌نهایی درس ۱ ۱۶

درس دوم: المواعظ العددية

- پخش اول: واژگان و ترجمه ۱۷
- پخش دوم: سؤالات واژگان و ترجمه ۱۹
- پخش سوم: قواعد درس - الْأَعْدَادُ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى مِئَةٍ ۲۰
- پخش چهارم: سؤالات قواعد ۲۳
- آزمون شبه‌نهایی درس ۲ ۲۴

درس سوم: مظهر الشمك

- پخش اول: واژگان و ترجمه ۲۵
- پخش دوم: سؤالات واژگان و ترجمه ۲۸
- پخش سوم: قواعد درس - أَشْكَالُ الْأَفْعَالِ (۱) ۳۱
- پخش چهارم: سؤالات قواعد ۳۴
- آزمون شبه‌نهایی درس ۳ ۳۵

درس چهارم: التعايش السلمي

- پخش اول: واژگان و ترجمه ۳۶
- پخش دوم: سؤالات واژگان و ترجمه ۳۹
- پخش سوم: قواعد درس - أَشْكَالُ الْأَفْعَالِ (۲) ۴۱
- پخش چهارم: سؤالات قواعد ۴۴
- آزمون شبه‌نهایی درس ۴ ۴۵

درس پنجم: ﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ﴾

- پخش اول: واژگان و ترجمه ۴۶
- پخش دوم: سؤالات واژگان و ترجمه ۴۹
- پخش سوم: قواعد درس - الْجُمْلَةُ الْفَعْلِيَّةُ وَ الْإِسْمِيَّةُ ۵۲
- پخش چهارم: سؤالات قواعد ۵۵
- آزمون شبه‌نهایی درس ۵ ۵۶



ذَلِكَ هُوَ اللَّهُ

التَّعَاُفُ

الدَّرْسُ الأَوَّلُ

واژگان و ترجمه

بخش اول

واژگان

واژه	ترجمه	توضیح و نکات طلایی
الحمد	ستایش	—
لِلَّهِ: لِ + الله	برای خداوند، مال خداوند	«ل» به الله بچسبد، «ا» اول «الله» حذف می‌شود.
السَّمَاوَاتِ	آسمان‌ها	جمع مؤنث سالم: السَّمَاءُ
الأَرْضِ	زمین	مؤنث معنوی
أَنْظُرْ	نگاه کن، ببین	فعل امر
ذات	دارای	این کلمه را با «ذات» به معنای «درون، باطن» اشتباه نگیرید.
الْعُصُونِ	شاخه‌ها	مفرد: الْعَصَنُ
نَمَتْ	رشد کرد	فعل ماضی «نما» - مضارع «يَنمو»
حَبَّةٌ	دانه	جمع مکسر: حُبُوبٌ
إِبْحَثْ	جست‌وجو کن، بگرد	فعل امر
مَنْ ذَا	این چه کسی است؟	مترادف: مَنْ هَذَا
يُخْرِجُ	بیرون می‌آورد	فعل مضارع
الشَّمْسِ	خورشید	مؤنث معنوی
مُسْتَعْرَةً	فروزان	—
ضِيَاءٌ	نور، روشنایی	مترادف ضَوْءٌ
مُنْتَشِرَةً	پراکنده	—
أَوْجَدَ	به وجود آورد، پدید آورد	«وَجَدَ: یافت»
الشَّرَرَةِ	پاره آتش	—
أَنْعَمَ	نعمت‌ها	مفرد: نِعْمَةٌ - مترادف: نَعِمَ
مُنْهَمِرَةً	ریزان	—
بَالِقَةً	کامل	—
زَانَ	زینت داد	فعل ماضی - مضارع «يَزِينُ»
أَنْجَمَ	ستارگان	مفرد: نَجْمٌ - مترادف: نُجُومٌ
واژه	ترجمه	توضیح و نکات طلایی
الدَّرَرُ	مرواریدها	مفرد: الدَّرَرُ
الْقِيمِ	ابر	جمع مکسر: الْقِيُومِ
مَطَرٌ	باران	جمع مکسر: أَمْطَارٌ
التَّعَاُفُ	آشنایی	—
مَطَارٌ	فرودگاه	دام: «الأمطار: باران‌ها» یا «المطر: باران»
صَبَاحَ الْخَيْرِ	صبح بخیر	اصطلاح
صَبَاحَ النُّورِ	صبح به خیر -	اصطلاح در پاسخ «صبح الخير»
و السُّرُورِ	صبح نورانی و شاد	—
عَفْوَاً	بخشید	اسم اما در معنای فعل!
مِنْ أَيْنَ؟	اهل کجایی؟	—
مَا اسْمُكَ الْكَرِيمِ؟	نام شریف‌تان چیست؟	—
مَعَ الْأَسْفِ	متأسفانه	اصطلاح
إِلَى اللَّقَاءِ	به امید دیدار	اصطلاح برای خداحافظی
فِي أَمَانِ اللَّهِ	در امان خدا، خدا نگهدارت	اصطلاح برای خداحافظی
الأَحْجَارِ	سنگ‌ها	مفرد: الْحَجَرُ
الْغَالِيَةِ	گران	متضاد: الزَّخِيصَةُ
الْلَوْنِ	رنگ	جمع مکسر: الْأَلْوَانُ
الْأَبْيَضِ	سفید	مؤنث: الْبَيْضاءُ
كَوَكَبِ	ستاره	جمع مکسر: كَوَاكِبُ
الْمَلَابِسِ	لباس‌ها	مفرد: الْمَلْبَسُ
الْفُسْتَانِ	پیراهن زنانه	جمع: الْفُسَاتِينُ
فَائِزَاتِ	برنده‌ها	مفرد: فَائِزَةٌ
البَطَارِيَةِ	باطری	—

واژه	ترجمه	توضیح و نکات طلایی
شراء	خریدن	متضاد: بیع
مسموح	مُجاز	متضاد: ممنوع
مُجِدّ	کوشا	مترادف: مُجْتَهِد
يَتَفَكَّرُونَ	می‌اندیشند	فعل مضارع
رَبَّنَا	ای پروردگار ما	—

واژه	ترجمه	توضیح و نکات طلایی
الأصدقاء	دوستان	مفرد: الصديق - متضاد: الأعداء، العدى
نام	خوابید	مضارع: ينام - مترادف: رَقَدَ
نِهَايَة	پایان	متضاد: بِدَايَة - «نِهَايَة» نادرست است.
ناجِح	پیروز، موفق	مترادف: فائز، متضاد: راسِب
مَسْرور	شاد	متضاد: حزين
يَمِين	راست	متضاد: يَسَار

کار با متن

معنی	فعالیت	ترجمه
۱. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ﴿﴾	کَمَلْ ←	 از آن خدایی است که و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنایی را
۲. أَنْظُرْ لَيْلِكَ الشَّجَرَةَ ذَاتِ الْعُصُونِ النَّصِيرَةِ	کَمَلْ ←	به آن درخت که دارای تر و تازه است.
۳. كَيْفَ نَمَتَ مِنْ جَبَةٍ وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَهُ	صَحِّحْ (۲) ←	چگونه از دانه‌ای به وجود آمد و چگونه درختی را ساخت؟
۴. فَابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا الشَّجَرَهُ	إِنْ تَخَيَّبْ ←	۱) پس سخن بگو و بگو چگونه از آن میوه‌هایش بیرون آمد؟ ۲) پس جست‌وجو کن و بگو چه کسی از آن میوه بیرون می‌آورد؟
۵. وَ انْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَدَّوْثُهَا مُسْتَعْرَةً	کَمَلْ ←	و به خورشید بنگر که پاره آتش آن است. ۱) فروزان ۲) نمایان
۶. مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوْثِ مِثْلَ الشَّرَرَةِ	إِنْ تَخَيَّبْ ←	چه کسی آن را مانند در فضا ۱) پاره آتش - یافت ۲) اخگر - به وجود آورد
۷. ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَ مِنْهُمْ لَهُ	صَحِّحْ (۲) ←	او همان خدایی است که نعمتش همیشگی است.
۸. وَ زَانَهُ بِأَنْجَمٍ كَالدُّرَرِ الْمُنْتَشِرَةِ	إِنْ تَخَيَّبْ ←	۱) و ستارگانش را زینت داد، گویی مروارید پخش شده‌اند! ۲) و آن را با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده زینت داد!
سایر جملات مهم درس		
۹. الْغَيْمُ يُخَارُ مُتْرَاكِمٍ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.	کَمَلْ ←	ابر، بخاری در آسمان است که از آن فرود می‌آید.
۱۰. «يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»	إِنْ تَخَيَّبْ ←	۱) در آفرینش آسمان و زمین‌ها می‌اندیشیدند. ۲) در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند.
۱۱. «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا»	کَمَلْ ←	 این را نیافریدی.

سوالات واژگان و ترجمه

بخش دوم؟

اجعل كل كلمة من السطر التالي في مكانها المناسب. (کلمات زائدتان)

قليل - الصديق - الغيم - الظلمة - مسموح - المطر - مسرور - بداية - أوجد - مرارة - نام - ناجح - قريب - جميل - نور

۱۲- السحاب	۱۳- كثير	۱۴- العدو
۱۵- الضياء	۱۶- أنشأ	۱۷- رقد
۱۸- حزين	۱۹- بعيد	۲۰- قبيح
۲۱- نهاية	۲۲- ممنوع	۲۳- راسب

اَكْتُبْ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبِ التَّوْضِيحَاتِ.

- ۲۴- هو الَّذِي أَنْعَمَهُ مِنْهُمِرَةً.
 ۲۵- في ضِيَاءٌ وَ حَرَارَةٌ وَ جَذُوتُهَا مُسْتَعِرَةٌ.
 ۲۶- بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.
 ۲۷- كَوَكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ وَ ضَوْؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ.
 ۲۸- تُزَيِّنُ الْمَرْأَةُ نَفْسَهَا بِ وَ هِيَ مِنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ.
 ۲۹- نَمَتِ الشَّجَرَةُ مِنْ
 ۳۰- مِنَ الْمَلَابِسِ النَّسَائِيَةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ.
 ۳۱- قِطْعَةٌ مُنْفَصِلَةٌ مِنَ النَّارِ الْمُسْتَعِرَةِ.
- الجَوُّ □ الغيم □ الله □
 الشمس □ القمر □ الثَّور □
 الشَّجَرَةُ □ الغيم □ النَّجْم □
 الثَّمَرَةُ □ المَطَرُ □ القَمَرُ □
 الفُسْتَانِ □ الدَّرَر □ المَلَابِسِ □
 وَرَقَةٌ □ حَبَّةٌ □ حَرَارَةٌ □
 الأنعم □ الفُسْتَانِ □ الدَّرَر □
 الشَّرَّة □ القمر □ الضياء □

اَكْتُبْ كَلِمَةً تُنَاسِبُ الصُّورَ.



۳۶-



۳۵-



۳۴-



۳۳-



۳۲-

اَكْتُبْ مَا يُطَلِّبُ مِنْكَ.

- ۳۷- الغيمة جمع ←
 ۳۸- الأنعم مفرد ←
 ۳۹- الدَّرَر جمع ←
 ۴۰- الحجر جمع ←
 ۴۱- العُصْن جمع ←
 ۴۲- الشَّجَر جمع ←
 ۴۳- الأنجم مفرد ←
 ۴۴- ألوان مفرد ←

اِنتَخِبْ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ.

- ۴۵- (۱) ورق □ (۲) شَجَرَةٌ □
 ۴۶- (۱) كثيرة □ (۲) مِنْهُمِرَةٌ □
 ۴۷- (۱) مَطَار □ (۲) سَحَاب □
 ۴۸- (۱) حَرَارَةٌ □ (۲) نَضْرَةٌ □
 ۴۹- (۱) لَوْن □ (۲) شِثَاء □
 ۵۰- (۱) أَكْبَر □ (۲) أَحْمَر □
- (۳) لَيْل □ (۴) غُصْن □
 (۳) وَافِرَةٌ □ (۴) جَذْوَةٌ □
 (۳) مَطَر □ (۴) غَيْم □
 (۳) جَذْوَةٌ □ (۴) شَرَرَةٌ □
 (۳) رَبِيع □ (۴) خَرِيف □
 (۳) أَحْضَر □ (۴) أَزْرَق □

اَكْتُبْ مَعْنَى الْمُفْرَدَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حُطَّ.

- ۵۱- أَنْظِرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ؟
 ۵۳- كَيْفَ نَمَتِ مِنْ حَبَّةٍ؟
 ۵۵- وَ زَانَهُ بِأَنْجَمٍ.
 ۵۷- فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ.
- ۵۲- هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَهُ مِنْهُمِرَةً.
 ۵۴- فَأَبْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَةَ؟
 ۵۶- أَنْظِرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَذُوتُهَا مُسْتَعِرَةٌ.
 ۵۸- مَنْ أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ؟

اِنتَخِبْ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً لِلْفَرَاغِ.

- ۵۹- قَالَ أَحَدُ الْمُوظَّفِينَ فِي الْمَطَارِ.
 ۶۰- قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ.
 ۶۱- حَالُكَ؟ أَنَا بَخِيرٍ.
 ۶۲- قَوْلُ نِصْفُ الْعِلْمِ.
 ۶۳- هَلْ إِلَى إِيْرَانٍ حَتَّى الْآنَ يَا صَدِيقِي؟
- دَار □ قَاعَةٌ □ مَرَقَد □
 الشَّرَّة □ الدَّرَر □ القَمَر □
 مَاذَا □ كَيْفَ □ أَيْنَ □
 مَا أَنْزَلَ □ لَا يَخْلُقُ □ لَا أَعْلَم □
 أَسَافِر □ سَافَرُوا □ سَافَرَتْ □

- ترجم العبارات.

- ## قواعد درس - صيغُ الأفعال، الضمائر، معنى الأفعال

بخش سوم:

اسم‌ها از نظر تعداد به سه دسته مفرد، مثنی و جمع تقسیم می‌شوند که در زیر با آن‌ها آشنا می‌شویم:

■ اسم‌ها از نظر جنس به دو نوع مذکر و مؤنث تقسیم می‌شوند:

اسم از جهت جنس

راہ تشخیص جنس یک اسم

مهم‌ترین نشانه مؤث یا مذکر بودن یک اسم، معنا و حقیقت آن است. به عنوان مثال «حَمَۀ» مذکر است هر چند «ة» دارد و «زینب» مؤنث است اگر چه «ة» ندارد. اسامی مانند «أُم، بنت، أخت و ...» نیز به همین صورت‌اند.

۲ «ی، اء»: زمانی نشانه مؤنث است که جزء ریشه کلمه (سه حرف اصلی) نباشد، یعنی این که اگر «ی، اء» را برداریم، حداقل سه حرف باقی بماند. مثل: صحراء (مؤنث)، ماء (مذکر)، هُدی = هدايت (مذکر)

مؤنث‌های «معنوی» اسامی که حقیقت و واقعیت ماده ندارند و نشانه‌های تأنیث (ة، ی، اء) را ندارند، مؤنث‌های معنوی می‌نامیم که در زبان عربی مؤنث به شمار می‌آیند.

مثال اَرْض: زمین - شَمْس: خورشید - حَرْب: جنگ - بَطْر: چاه - نَفْس: وجود - رِيح: باد - دار: خانه - نَار: آتش - جَهَنَّم: دوزخ - سَمَاء: آسمان و ...
اعضاء زوج بدن ➡ ید: دست - عَیْن: چشم - رِجْل: پا - اُذُن: گوش - کَیْف = کَيْف: شانه - کَف: کف دست
نام کشورها، شهرها و اماکن (جه عربی، چه غیر عربی): ایران، حجاز، طهران، ...

نکته اگر اسمی جمع مکسر باشد، برای تشخیص در مورد جنس (مذکر و مؤنث) ابتدا باید آن را مفرد کنیم و از مفرد آن، جنس را تشخیص دهیم. پس هر اسم مفردی که مذکر باشد، جمعش هم مذکر است، حتی اگر نشانه تأنث داشته باشد.

مثال الطالب ➡ الطَّالِبَة (دانش آموزان، دانشجویان) - القائد ➡ القادة (رهبر، رهبران) - الأخ ➡ إخوة (برادر، برادران)

دام‌های مهم و کاربردی

- ۱ اسم دارای «ة» ممکن است مفرد مذکر باشد، مثل حَمْرَة، طَلْحَة، مُعَاوِیَة یا جمع مکسر باشد، مثل طَلَبَة (چ طالب)، إِخْوَة (چ أخ)، قَادَة (چ قائد)، سَادَة (چ سَید) و ...
- ۲ اسم دارای «ان» ممکن است مفرد مذکر باشد، **مثال** نِسِیان: فراموشی، دُوران: چرخش، جَرِیان: جاری شدن، عَطْشان: تشنه، جُوعان: گرسنه، غُضبان: خشمگین، غُضبان: نافرمانی، فُستان: لباس زنانه و ... یا جمع مکسر باشد، **مثال** أَعْصان (چ عُصن)، ألوان (چ لون)، أذیان (چ دین)، غُزْالان (چ غزال)، إخوان (چ أخ)، أحران (چ حزن) و ...
- ۳ اسم دارای «ین» نشانه مثنی یا «ین» ممکن است مفرد مذکر باشد، **مثال** دین، مسکین و... یا جمع مکسر باشد، مثل مضامین (چ مضمون)، قَوانین (چ قانون)، شَیاطین (چ شیطان)، دِواوین (چ دیوان)، مِیادین (چ میدان)، فُساتین (چ فُستان)، سَلاطین (چ سلطان)، بَساتین (چ بستان) و ...
- ۴ اسم دارای «ات» ممکن است مفرد مذکر باشد، مثل ذات: درون، دارای، نبات: گیاه و ... یا جمع مکسر باشد، **مثال** أَصوات (چ صُوت)، أوقات (چ وقت)، أُموات (چ، مِیت)، أُنْبات (چ نِیت)، بَنات (چ بنت) و ...
- ۵ اسم دارای «ون» ممکن است مفرد مذکر باشد، **مثال** دُون: به جز، جُنون: دیوانگی یا جمع مکسر باشد، مثل عُصون (چ عُصن)، دُیون (چ دین)، فُنون (چ فَن)، عُیون (چ عَین: چشمه)، قُرُون (قرن) و ...

ضع هذه الجمل و التراكيب في مكانها المناسب ثم ترجمها.

الحمد - السماوات - العُصون - فائزات - الشمس - جذوتین - أنعم - أنجم - الصالحون - مطاران - الإسلامية -
اللقاء - أبحاء - دقة - كواكب - النار - عقارب

مفرد مذکر	مفرد مؤنث	مثنی مذکر	مثنی مؤنث	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
.....-۷۱	-۷۲	-۷۳	-۷۴	-۷۵	-۷۶	-۷۷

۷۸- عین نوع الجمع في العبارات التالية.

الف) اُنْشَدَ الشَّاعِرُ قَصِيدَةً طَوِيلَةً، الْأَبْيَاتُ الْجَمِيلَةُ فِيهَا كَثِيرَةٌ! ب) اِسْتَمَعْنَا إِلَى أَصْوَاتِ الطُّيُورِ فِي الْغَايَةِ وَ هِيَ جَمِيلَةٌ وَ كَثِيرَةٌ!

۷۹- عین ما فيه جمع سالم للمذكر.

□ ۱) إِنْ كُنْتَ مِنَ الضَّالِّينَ فَلَا تَكْذِبْ فِي أَعْمَالِكَ! □ ۲) لِكُلِّ بِلَدٍ قَوَانِينُ خَاصَّةٌ يَجِبُ عَلَى النَّاسِ اتِّبَاعُهَا!

وزن کلمات در عربی

تمامی اسم‌ها و فعل‌ها در عربی دارای وزن هستند. وزن کلمات را با یافتن حروف اصلی (ریشه) کلمه و قراردادن سه حرف «ف، ع، ل» به جای این سه حرف می‌یابیم.

مثال جاهد از ریشه «جهد» بر وزن فاعِل - مُتَعَلِّم از ریشه «علم» بر وزن «مُتَفَعِّل» - مُشَاهِدَة از ریشه «شهد» بر وزن «مُفَاعَلَة»

۸۰- اُكْتُبْ وزن الكلمات.

نَضْرَة / يُخْرِجُ / مُسْتَعْرَة / أَوْجَدَ / أَنْعَمَ / بِالْعِلَّةِ / تَعَاظَفَ / أَشْرَفَ / أَحْجَارَ / غَالِيَةً / مَلَأَسَ / صَبَّارَ / مَسْمُوحَ / مُجَدَّ / يَتَفَكَّرُونَ

اسامی اشاره در عربی

اسم‌های اشاره قبل از کلمات به کار رفته و معنای «این، آن، این‌ها و ...» می‌دهند.

مکان	جمع مؤنث	مثنی مؤنث	مفرد مؤنث	جمع مذکر	مثنی مذکر	مفرد مذکر	
هنا: این‌جا	هؤلاء	هاتین	هذه	هؤلاء	هذان، هذین	هذا	للقرب (نزدیک)
هناك: آن‌جا	اولئك	—	تلك	اولئك	—	ذلك	للبعد (دور)

نکته اسم اشاره برای اسم‌های جمع غیر انسان به صورت مفرد مؤنث (هذه، تلك) به کار می‌رود، **مثال** هذه الشَّجَرَات، تلك الأَیَّام.

۸۱- ضَع اسم الإشارة المُناسِبَة.

السَّمَاوَاتِ الْبَطَارِيَّةُ التَّوَرُ الْعُصُونِ الثَّمَرَة حِكْمَة الدَّرَرِ الْمَطَرُ

ترجم الجمل التالية.

۸۲- تلك شجرة ننظرها في الحديقة كل يوم:

۸۳- هؤلاء المؤمنون يصلّون في المساجد:

اسم موصول در عربی

اسامی موصول کلماتی هستند که برای وصل کردن کلمات به کار می‌روند و معنای «که، این‌که» دارند.

مفرد مذکر	مثنی مذکر	جمع مذکر	مفرد مؤنث	مثنی مؤنث	جمع مؤنث
الذي	الَّذَانِ، اللَّذَيْنِ	الَّذِينَ	التي	اللَّتَانِ، اللَّتَيْنِ	اللَّاتِي
خاص					
عام (انسان)					
ما					
عام (غير انسان)					

نکته اسم موصول برای اسم‌های جمع غیر انسان به صورت مفرد مؤنث (التي) به کار می‌رود. **مثال** هذه الشّجرات التي، تلك الأيام التي

کمل الفراغ بالموصول المناسب.

۸۴- الحمد لله خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ.

۸۵- وَ انْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ جَذَوْثُهَا مُسْتَعْرَه

۸۶- تِلْكَ الشَّجَرَةُ ننظرها ذاتُ العُصُونِ النَّصْرَةِ.

۸۷- انْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فيه قَمَرَه.

۸۸- الْفُسْتَانُ مِنَ الْمَلَابِسِ التَّسَائِيَةِ لَهَا ألوانٌ مُخْتَلِفَةٌ.

ضمایر

اسم‌هایی که معنای «او، تو، من، ما، شما و ...» دارند و گاهی به آخر کلمات می‌چسبند و گاهی هم جدا می‌آیند و از تکرار بی‌مورد اسم‌ها در جمله جلوگیری می‌کنند.

صیغه	ضمیر منفصل (جدا)	ضمیر متصل به فعل ماضی	ضمیر متصل به فعل مضارع	ضمایر متصل به اسم و فعل و حرف
لِلْغَائِبِ	هُوَ	كَتَبَ	يَكْتُبُ*	هـ
لِلْغَائِبِينَ	هُمَا	كَتَبَا	يَكْتُبَانِ	هما
لِلْغَائِبِينَ	هُمْ	كَتَبُوا	يَكْتُبُونَ	هم
لِلْغَائِبَةِ	هِيَ	كَتَبَتْ	تَكْتُبُ*	ها
لِلْغَائِبَتَيْنِ	هُمَا	كَتَبَتَا	تَكْتُبَانِ	هما
لِلْغَائِبَاتِ	هُنَّ	كَتَبْنَ	يَكْتُبْنَ	هنّ
لِلْمُخَاطَبِ	أَنْتَ	كَتَبْتَ	تَكْتُبُ*	كَ
لِلْمُخَاطَبَيْنِ	أَنْتُمَا	كَتَبْتُمَا	تَكْتُبَانِ	کُما
لِلْمُخَاطَبِينَ	أَنْتُمْ	كَتَبْتُمْ	تَكْتُبُونَ	کُم
لِلْمُخَاطَبَةِ	أَنْتِ	كَتَبْتِ	تَكْتُبِينَ	كِ
لِلْمُخَاطَبَتَيْنِ	أَنْتُمَا	كَتَبْتُمَا	تَكْتُبَانِ	کُما
لِلْمُخَاطَبَاتِ	أَنْتُنَّ	كَتَبْتُنَّ	تَكْتُبْنَ	کُنّ
لِلْمُتَكَلِّمِ وَحْدَهُ	أَنَا	كَتَبْتُ	أَكْتُبُ*	ي
لِلْمُتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ	نَحْنُ	كَتَبْنَا	نَكْتُبُ*	نا

نکات مهم در مورد ضمائر

- ضمایر متصل به اسم و فعل و حرف (ه، هما، هم)؛
- اگر به آخر فعل‌ها بچسبند، صدرصد مفعول هستند. تَرَاهُمْ: آن‌ها را می‌بینی.
- اگر به آخر اسم‌ها بچسبند، صدرصد مضاف‌الیه هستند. مَدْرَسَتُهُمْ: مدرسه‌شان.
- (در درس ۷ می‌خوانیم) اگر به آخر حروف جرّ بچسبند، مجرور به حرف جرّ هستند. عَنْهُمْ: درباره‌شان
- نکته** ضمیر برای اسم‌های جمع غیر انسان به صورت مفرد مؤنث (هی، ها) به کار می‌رود، **مثال** هذه كُتُبٌ قَرَأْتُهَا.

عَيْنِ الضَّمَائِرِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ.

- ۸۹- فَابَحِثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا الشَّمْرَةَ
- ۹۰- ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَ مِنْهُمْ

کلمات پرسشی (استفهام)

کلماتی که معنای پرسش دارند.

اسامی استفهام را در جدول زیر ببینید:

اسم استفهام	ترجمه	نکته	توضیحات
مَنْ (گاهی به صورت «مَن + ضمیر می‌آید، مانند «مَن هُوَ».)	چه کسی؟ چه کسانی؟	معمولاً ابتدای جمله می‌آید.	دو نوع «مَن» دیگر به نام‌های شرط (هرکس) و موصول (کسی که، که) نیز داریم.
مَا	چه چیزی؟ چه چیزهایی؟	معمولاً ابتدای جمله می‌آید.	چند نوع «ما» دیگر به نام‌های شرط (هر چیز) و موصول (چیزی که، که) و نفی (ما + ماضی) و تعجب (ما + أَفْعَلْ: چه ...) نیز داریم.
كَيْفَ	چگونه؟ چه طور؟	—	—
أَيْنَ	کجا؟	«مِنْ أَيْنَ»: «اهل کجا؟»	در پاسخ از قید مکان استفاده می‌کنیم، مانند «فَوْقَ، تَحْتَ، خَلْفَ، جَنْبَ، بَعْدَ، قَبْلَ، ...».
مَتَى	کی، چه وقت؟	—	در پاسخ از قید زمان استفاده می‌کنیم، مانند «الْيَوْمَ، غَدًا، أَمْسَ، بَعْدَ، قَبْلَ، ...».
لِمَاذَا	چرا؟	مخفف: «لِمَ»	در پاسخ از «لِ» یا «لِأَنَّ» استفاده می‌کنیم.
كَمْ	چندتا؟ چه قدر؟	—	در پاسخ از اعداد استفاده می‌کنیم، مانند «سَبْعَةَ، خَمْسَةَ، الرَّابِعَةَ و ...».
أَيَّ	کدام؟	—	—

نکته حروف استفهام «أ = هَلْ» به معنای «آیا» هستند که در پاسخ از «نَعَمْ» یا «لا» استفاده می‌کنیم.

ضَعِ فِي الْفَرَاغِ اسْمَ الْإِسْتِفْهَامِ الْمُنَاسِبِ.

- ۹۱- أَنْظُرْ لِنَبْتِكَ الشَّجَرَةَ نَمَتْ مِنْ حَبَّةٍ؟
- ۹۲- ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَةِ؟
- ۹۳- سَافَرْتُ إِلَى إِيْرَانٍ حَتَّى الْآنَ؟ لَا، مَعَ الْأَسْفَلِ!

عَيْنِ اسْمِ الْإِسْتِفْهَامِ الْمُنَاسِبِ لِهَذِهِ الْأَجْوِبَةِ.

- ۹۴- تَكْتُبُ الثَّمَارِينَ كُلَّ يَوْمٍ؟ أَكْتُبُهَا قَبْلَ الْغُرُوبِ!
- ۹۵- تَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ صَبَاحًا؟ بِالسَّيَّارَةِ الْأُجْرَةِ!
- ۹۶- تَسْمَعِينَ قَبْلَ التَّوْمِ فِي اللَّيْلِ؟ أَسْمَعُ صَوْتَ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ!

ترکیب اضافی (مضاف + مضاف الیه)

هرگاه دو اسم در کنار هم بیایند که در ترجمه بین این دو اسم (ب) بیاید.
این دو اسم از نظر ظاهر (داشتن «ال» و علامت و ...) لزوماً شباهتی به هم ندارند (دوقلو نیستند).

راه تشخیص از طریق ترجمه فارسی:

راه اول: بین دو اسم «ویرگول» و آخرشان «است» می‌گذاریم. عبارت بی‌معنایی ساخته می‌شود.

راه دوم: آخر دو اسم «تر» می‌گذاریم. عبارت بی‌معنایی ساخته می‌شود.

مثال هذا کتاب علی: این، کتاب علی است. «هذا کتاب» ترکیب اضافی نیست، چون در ترجمه بین دو اسم (ب) نداریم. «کتاب علی» ترکیب اضافی است چون در ترجمه بین آن‌ها (ب) وجود دارد.

راه تشخیص در فارسی: «کتاب، علی است.» بی‌معنا است. ترکیب اضافی

نکته بسیار کاربردی اگر یکی از ضمائر «ه، هما، هم، ها، هن، ک، کما، کم، ک، گن، ی، نا» به آخر اسم بچسبد، صددرصد مضاف الیه است.

مثال کتابه: کتاب او، کتابش - مَدْرَسَتُنَا: مدرسه ما

نکته مضاف، سه چیز نمی‌گیرد:

۱ «ن» آخر اسم مثنی (ان، ین) یا اسم جمع مذکر سالم (ون، ین):

مثال مُعَلِّمُونَ (جمع سالم) + الْمَدْرَسَةُ = مُعَلِّمُو الْمَدْرَسَةِ شَجَرَتَانِ (مثنی) + الْحَدِيقَةُ = شَجَرَتَا الْحَدِيقَةِ

دام مهم دقت کنید که «ن» آخر جمع مکسر عمراً حذف نمی‌شود، چون «ن» جزء حروف اصلی آن است.

مثال مَسَاكِين (جمع مکسر) + ایران = مَسَاكِينِ ایران

۲ «ال» **مثال** الْمُعَلِّمُونَ + الْمَدْرَسَةُ = مُعَلِّمُو الْمَدْرَسَةِ

۳ «تنوین َ ب ِ ً» **مثال** شَجَرَةٌ + الْحَدِيقَةُ = شَجَرَةُ الْحَدِيقَةِ

ترکیب وصفی

دو اسم در کنار هم می‌آیند و دوقلو هستند (همه‌جوره شبیه هم‌اند).

■ صفت (اسم دوم) از نظر تعداد (مفرد، مثنی و جمع)، از نظر جنس (مذکر و مؤنث)، از نظر علامت (مرفوع، منصوب و مجرور) کاملاً شبیه و تابع موصوف (اسم اول) است.

■ در راه تشخیص فارسی، ترکیب وصفی بامعنا است. (بین دو اسم ویرگول و آخر دو اسم «است» بگذاریم یا اینکه بعد از پایان اسم دوم «تر» بگذاریم).

مثال «کتاب سودمند»: کتاب، سودمند است. ✓ «کتاب علی»: کتاب، علی است. ✗

کتاب سودمندتر ✓ کتاب علی تر ✗

مثال هذا کتاب مُفید: این کتابی سودمند است. - هذه شَجَرَةٌ مُفیدة: این درختی سودمند است. - جاءَ عُلَمَاءُ مُفیدون: دانشمندانی سودمند آمدند. - رأیتُ بَنَاتًا مُؤَدَّبَات: دخترانی بالاد را دیدم.

نکته اگر موصوف، جمع غیر انسان (غیرعاقل) باشد، برای آن از صفت مفرد مؤنث استفاده می‌کنیم.

مثال کتاب‌های سودمند: الْکُتُبُ الْمُفیدَةُ - الْغُیُومُ الْماطِرَةُ: ابرهای باران‌زا

ترکیب وصفی اضافی

حالتی که در آن یک اسم هم‌زمان هم مضاف الیه بگیرد هم صفت!

مثال دوست عزیز من: اسم «دوست» از طرفی صفت «عزیز» دارد و از طرفی به ضمیر «من» اضافه شده است (مضافاً و موصوفاً معاً).

■ در فارسی پس از اسم موصوف مضاف (دوست) ابتدا صفت (عزیز) می‌آید بعدش مضاف الیه (من)، اما در عربی برعکس است. ابتدا مضاف الیه می‌آید، سپس صفت!

■ به طور کلی فرمول «اسم + ضمیر + اسم «ال» دار» همیشه بیانگر ترکیب وصفی اضافی است و فرمول «اسم + اسم «ال» دار + اسم «ال» دار» عمدتاً (نه همیشه) بیانگر ترکیب وصفی اضافی است.

مثال صَدِیقَت ی + الْغَزِیْرَةُ = صَدِیقَتِی الْغَزِیْرَةُ (دوست عزیزم)

بَلَاد نا + الْجَمِیلَةُ = بَلَادُنَا الْجَمِیلَةُ (کشور زیبای ما)

کُتُب زَهْرَا + الْمُفیدَةُ = کُتُبُ زَهْرَا الْمُفیدَةُ (کتاب‌های مفید زهرا)

۹۷- عَتِنِ الْمَوْصُوف وَ الصِّفَةُ وَ الْمُضَاف وَ الْمُضَافَ إِلَیْهِ.

الدَّرْسُ الْاَوَّلُ / ذَاتُ الْغُصُونِ النَّصْرَةِ / ذُو حِکْمَةٍ بِالْغَةِ / الدَّرَرُ الْمُنتَشِرَةُ / مَطَارُ التَّجَفِّ الْأَشْرَفِ / صَبَاحُ الثَّوَرِ / حَالُکُ / الْجُمْهُورِيَّةُ الْإِسْلَامِيَّةُ الْإِيرَانِيَّةُ / اسْمُکَ الْکَرِيمُ

فعل

کلمه‌ای است دارای معنای مشخص همراه زمان!

در عربی فعل‌ها به ۱۴ صیغه آمده و در سه گروه (غائب، مخاطب، متکلم) تقسیم می‌شوند.

صرف فعل‌ها به شیوه سنتی و اصولی زبان عربی (مشاره زبان فارسی)

صرف فعل‌ها به شیوه سنتی و اصولی زبان عربی

صیغه	ضمیر	ماضی	مضارع «تینا، اتین»
لِلْمُتَكَلِّمِ وَحْدَهُ	أنا	كَتَبْتُ	أَكْتُبُ
لِلْمُخَاطَبِ	أنت	كَتَبْتَ	تَكْتُبُ
لِلْمُخَاطَبَةِ	أنتِ	كَتَبْتِ	تَكْتُبِينَ
لِلغَائِبِ	هُوَ	كَتَبَ	يَكْتُبُ
لِلغَائِبَةِ	هِيَ	كَتَبَتْ	تَكْتُبُ
لِلْمُتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ	نحن	كَتَبْنَا	نَكْتُبُ
لِلْمُخَاطَبِينَ	أنتم	كَتَبْتُمْ	تَكْتُبَانِ
لِلْمُخَاطَبَتَيْنِ	أنتم	كَتَبْتُمَا	تَكْتُبَانِ
لِلْمُخَاطَبِينَ	أنتم	كَتَبْتُمْ	تَكْتُبُونَ
لِلْمُخَاطَبَاتِ	أنتن	كَتَبْتُنَّ	تَكْتُبْنَ
لِلغَائِبِينَ	هُما	كَتَبَا	يَكْتُبَانِ
لِلغَائِبَتَيْنِ	هُما	كَتَبَتَا	تَكْتُبَانِ
لِلغَائِبِينَ	هُم	كَتَبُوا	يَكْتُبُونَ
لِلغَائِبَاتِ	هُنَّ	كَتَبْنَ	يَكْتُبْنَ

صیغه	ضمیر	ماضی	مضارع «تینا، اتین»
لِلغَائِبِ	هُوَ	كَتَبَ	يَكْتُبُ
لِلغَائِبَتَيْنِ	هُمَا	كَتَبَا	يَكْتُبَانِ
لِلغَائِبِينَ	هُمْ	كَتَبُوا	يَكْتُبُونَ
لِلغَائِبَةِ	هِيَ	كَتَبَتْ	تَكْتُبُ
لِلغَائِبَتَيْنِ	هُمَا	كَتَبَتَا	تَكْتُبَانِ
لِلغَائِبَاتِ	هُنَّ	كَتَبْنَ	يَكْتُبْنَ
لِلْمُخَاطَبِ	أنت	كَتَبْتَ	تَكْتُبُ
لِلْمُخَاطَبِينَ	أنتم	كَتَبْتُمْ	تَكْتُبَانِ
لِلْمُخَاطَبِينَ	أنتم	كَتَبْتُمْ	تَكْتُبُونَ
لِلْمُخَاطَبَةِ	أنتِ	كَتَبْتِ	تَكْتُبِينَ
لِلْمُخَاطَبَتَيْنِ	أنتم	كَتَبْتُمَا	تَكْتُبَانِ
لِلْمُخَاطَبَاتِ	أنتن	كَتَبْتُنَّ	تَكْتُبْنَ
لِلْمُتَكَلِّمِ وَحْدَهُ	أنا	كَتَبْتُ	أَكْتُبُ
لِلْمُتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ	نحن	كَتَبْنَا	نَكْتُبُ

مرور مهم ترین زمان فعل هادر عربی

نوع فعل	فرمول عربی	فرمول فارسی	مثال
ماضی استمراری	كان + مضارع	می + ماضی	كُنْتُمْ تَقْرَأُونَ: می خواندید
ماضی نقلی	قَدْ + ماضی	صفت مفعولی (ماضی + ه) + ام، ای، است، ایم، اید، اند	قَدْ أَنْزَلْنَا: نازل کردیم، نازل کرده ایم
ماضی منفی	ما + ماضی ساده، بعید، استمراری، نقلی	«ن» + فعل ماضی	ما رَجَعْنَا: برنگشتیم - ما کانوا يَنْصَرُونَ: یاری نمی کردند
مستقبل (آینده)	سَ، سَوْفَ + مضارع	خواه + شناسه ها + بن ماضی	سَوْفَ نَحْصُلُ: دست پیدا خواهیم کرد
فعل امر	۱- حذف «ت» اول فعل ۲- اگر اول فعل ساکن شود، آوردن ا یا ا اول فعل ۳- مجزوم کردن آخر فعل (حذف ُ یا ن به جز صیغه جمع مؤنث «أَنْتُنَّ»)	ب + بن مضارع + شناسه	تَكَلَّمِي: سخن بگو إِشْرَبُوا: بنوشید
فعل نهی	۱- آوردن «لا» اول فعل ۲- مجزوم کردن آخر فعل (حذف ُ یا «ن» به جز دو صیغه جمع مؤنث «هُنَّ، أَنْتُنَّ»)	ن + بن مضارع + شناسه ها	لا تَشْرَبُوا: ننوشید
نهی (مضارع منفی)	آوردن «لا» اول فعل	ن + فعل مضارع	لا تَشْرَبُونَ: نمی نوشید

اَكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ.

۹۸- أَنْظُرْ لِتِلْكَ الشَّجَرَةِ ذَاتِ الْغُصُونِ النَّصْرَةِ

۹۹- كَيْفَ نَمَتَ مِنْ حَبَّةٍ

۱۰۰- فَأَبْحَثْ وَقُلْ مَنْ ذَا الَّذِي / يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَةَ

۱۰۱- لَا، مَعَ الْأَسَفِ. لَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ.

۱۰۲- هُنَّ مَا كَانَ يَذْهَبْنَ بِسُرْعَةٍ.

۱۰۳- إِنَّا سَوْفَ نَجْلِسُ هُنَا.

۱۰۴- لَا تَنْظُرْ هُنَاكَ.

اَكْمِلِ الْفَرَاقَاتِ.

فعل ماضی	فعل مضارع	فعل امر	فعل ماضی استمراری	فعل نهی	فعل مستقبل	ضمیر	حروف اصلی
شَرِبْتُمْ	۱۰۵-	۱۰۶-	۱۰۷-	۱۰۸-	۱۰۹-	أَنْتُمْ	۱۱۰-
۱۱۱-	تَخْرُجِينَ	۱۱۲-	۱۱۳-	۱۱۴-	۱۱۵-	۱۱۶-	خرج

اعداد و بیان ساعت در عربی

■ اعداد در عربی دو نوع اند:

- اعداد اصلی: اعدادی که برای شمردن افراد و اشیا و ... به کار می‌روند، مانند یک، دو، سه و ...
 - اعداد ترتیبی: اعدادی که برای بیان رتبه و ترتیب استفاده می‌شوند، مانند اول، دوم، سومین، چهارم و ...
- از اعداد ترتیبی (به جز اول) برای بیان ساعت نیز استفاده می‌شود.

اعداد اصلی

عدد	به فارسی	به عربی
۱۱	یازده	أَحَدُ عَشَرَ - إحدى عشرة
۱۲	دوازده	إِثْنَا عَشَرَ - اثني عشر - اثنتا عشرة
۱۳	سیزده	ثَلَاثَةَ عَشَرَ - ثلاث عشرة
۱۴	چهارده	أَرْبَعَةَ عَشَرَ - أربع عشرة
۱۵	پانزده	خَمْسَةَ عَشَرَ - خمس عشرة
۱۶	شانزده	سِتَّةَ عَشَرَ - ست عشرة
۱۷	هفده	سَبْعَةَ عَشَرَ - سبع عشرة
۱۸	هجده	ثَمَانِيَةَ عَشَرَ - ثمانی عشرة
۱۹	نوزده	تِسْعَةَ عَشَرَ - تسع عشرة
۲۰	بیست	عِشْرُونَ - عشرين

عدد	به فارسی	به عربی
۰	صفر	صفر
۱	یک	واحد - واحدة
۲	دو	اثنان - اثنين - اثنتان - اثنتين
۳	سه	ثلاثة - ثلاث
۴	چهار	اربعة - أربع
۵	پنج	خمسة - خمس
۶	شش	ستة - ست
۷	هفت	سبعة - سبع
۸	هشت	ثمانية - ثمانی
۹	نه	تسعة - تسع
۱۰	ده	عشرة - عشر

اعداد ترتیبی

اعدادی که برای بیان ترتیب و رتبه به کار می‌روند.

- این اعداد در ترجمه فارسی به صورت «م، مین یا برای بیان ساعت» به کار می‌روند.
- اعداد ترتیبی همیشه با «ال» می‌آیند و از ۲ تا ۱۹ بر وزن فاعِل هستند.
- این اعداد همیشه بعد از معدود می‌آیند، مانند ۱ و ۲ اصلی (معدود + عدد).

عدد	به فارسی	به عربی
۱۱	یازدهم	الحادی عشر - الحادية عشرة
۱۲	دوازدهم	الثاني عشر - الثانية عشرة
۱۳	سیزدهم	الثالث عشر - الثالثة عشرة
۱۴	چهاردهم	الرابع عشر - الرابعة عشرة
۱۵	پانزدهم	الخامس عشر - الخامسة عشرة
۱۶	شانزدهم	السادس عشر - السادسة عشرة
۱۷	هفدهم	السابع عشر - السابعة عشرة
۱۸	هجدهم	الثامن عشر - الثامنة عشرة
۱۹	نوزدهم	التاسع عشر - التاسعة عشرة
۲۰	بیستم	العشرون - العشرين

عدد	به فارسی	به عربی
۱	یکم	الأول - الأولى
۲	دوم	الثاني - الثانية
۳	سوم	الثالث - الثالثة
۴	چهارم	الرابع - الرابعة
۵	پنجم	الخامس - الخامسة
۶	ششم	السادس - السادسة
۷	هفتم	السابع - السابعة
۸	هشتم	الثامن - الثامنة
۹	نهم	التاسع - التاسعة
۱۰	دهم	العاشر - العاشرة

بیان ساعت: ساعت را به چهار صورت می‌توان بیان کرد:

- ساعت کامل: الساعة + عدد ترتیبی مؤنث (به جز ۱) + تماماً ➡ الساعة الخامسة تماماً
- ساعت + ۱۵: الساعة + عدد ترتیبی مؤنث (به جز ۱) + وَ الرَّبْع ➡ الساعة الخامسة وَ الرَّبْع
- ساعت + ۳۰: الساعة + عدد ترتیبی مؤنث (به جز ۱) + وَ النَّصْف ➡ الساعة الخامسة وَ النَّصْف
- ساعت + ۴۵: الساعة + عدد ترتیبی مؤنث بعدی (به جز ۱) + إِلَّا رُبْعاً ➡ الساعة السادسة إِلَّا رُبْعاً

نکات ۱ برای ساعت یک از عدد اصلی «الواحدة» استفاده می‌کنیم.

۲ برای بیان دقیقه در زبان عربی از اعداد اصلی استفاده می‌کنیم، مثلاً ۲۷ دقیقه می‌شود «سبعة و عشرون دقيقة».

روزهای هفته	ترتیب	الأول	الثاني	الثالث	الرابع	الخامس	السادس	السابع
عربی	السبت	الأحد	الاثنين	الثلاثاء	الأربعاء	الخميس	الجمعة	
فارسی	شنبه (ابتدا)	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه (وسط هفته)	چهارشنبه	پنج‌شنبه	جمعه (انتها)	

فصل‌های سال	ترتیب	الأوّل	الثّاني	الثّالث	الرّابع
	عربی	الرّبيع	الصّيف	الخريف	الشتاء
	فارسی	بهار	تابستان	پاییز	زمستان

جوابز	ترتیب	الأول	الثاني
عربی	الذَّهَب	الفِصَّة	
فارسی	طلا	نقره	

اكتب الساعات باللغة العربية.

۱۱۸ - ۱۵ : ۶

۱۱۷ - ۴۵ : ۸

۱۲۰ - ۳۰ : ۳

۱۱۹ - ۰۰ : ۱

كامل الفراغ.

۱۲۱- الفصل الـ في السَّنة هو فصل الشتاء!

۱۲۲- للفائز الثاني جائزة

۱۲۳- اليوم الوسط في أيام الأسبوع هو يوم

سؤالات قواعد

بخش چهارم:

تَرْجِمْ هَذِهِ الْجُمْلَ وَ اكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ.

- ۱۲۴- و إِنَّا سَوْفَ نَكْتُبُ أَبْجَاءً. ترجمه: نوع الفعل:
- ۱۲۵- كَانُوا يَكْتُبُونَ بِدَقَّةٍ. ترجمه: نوع الفعل:
- ۱۲۶- لَا تَكْتُبْ عَلَى الْجِدَارِ. ترجمه: نوع الفعل:
- ۱۲۷- مَا كَتَبْنَا تَمَارِينَا. ترجمه: نوع الفعل:
- ۱۲۸- أَنْتُمْ لَا تَكْتُبُونَ بِسُرْعَةٍ. ترجمه: نوع الفعل:
- ۱۲۹- صَغُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً. ترجمه: نوع الفعل:
- ۱۳۰- أَكْتُبُوا وَاجِبَاتِكُمْ. ترجمه: نوع الفعل:
- ۱۳۱- كُنْتُ تَكْتُبُ رِسَالَتِكُنَّ. ترجمه: نوع الفعل:

أرسم عقارب الساعات.



انتخب الفعل المناسب للفراغ.

- ۱۳۸- يَا صَدِيقِي هَلْ كَلَامَكَ؟ (۱) ذَكَرْتُ (۲) ذَكَرْتُمْ (۳) قَرَأْتُ
- ۱۳۹- مَاذَا أَيْتَهَا الْوَالِدَةُ؟ (۱) عَمِلْتُ (۲) يَفْعَلُ (۳) عَمِلَ
- ۱۴۰- لَوْنُ الشَّجَرَةِ (۱) أَبْيَضُ (۲) أَخْضَرُ (۳) أَسْوَدُ
- ۱۴۱- أَصْدِقَائِي مِنَ الْعُطْلَةِ. (۱) رَجَعُوا (۲) رَجَعْنَا (۳) رَجَعَ
- ۱۴۲- الْأَطْفَالُ فِي سَاحَةِ الْمَدْرَسَةِ. (۱) يَلْعَبُ (۲) يَفْتَحُ (۳) يَأْخُذُ
- ۱۴۳- رَجَاءٌ مِنَ السَّيَّارَةِ. (۱) أَطْلَبُوا (۲) أَنْزَلُوا (۳) طَلَبُوا
- ۱۴۴- إِيَّيْ مَنْ أَنْتَ؟ (۱) لَا أَعْرِفُكَ (۲) لَا أَطْلُبُكَ (۳) مَا جَلَسْتُ
- ۱۴۵- فُسْتَانًا مِنَ السُّوقِ. (۱) رَجَعْنَا (۲) إِشْتَرَيْنَا (۳) قَرَأْنَا

صَغِ هَذِهِ الْجُمْلَ وَ التَّرَاكِيبَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ.

هؤلاء الرجال - هذان التلميذان - تلك البطارية - هؤلاء فائزات - هاتان رُجاءتان - أولئك الفائزون

مفرد مؤنث	مثنى مذکر	مثنى مؤنث	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مكسر
۱۴۶-	۱۴۷-	۱۴۸-	۱۴۹-	۱۵۰-	۱۵۱-



آرمون شبه نهایی درس ۱

پاسخ سوالات درس ۱

۵۳. رشد کرد؛ ترجمه: چگونه از دانه‌ای رشد کرد؟
۵۴. جست‌وجو کن؛ ترجمه: پس جست‌وجو کن و بگو کیست کسی که از آن میوه را بیرون می‌آورد؟
۵۵. آراست، زینت داد؛ ترجمه: و آن را با ستارگانی آراست.
۵۶. فروزان؛ ترجمه: نگاه کن به خورشیدی که پاره‌آتش آن فروزان است.
۵۷. روشنائی؛ ترجمه: در آن روشنائی است و به وسیله آن گرما پراکنده می‌شود.
۵۸. پدید آورد؛ ترجمه: چه کسی در آن ماه را پدید آورد؟
۵۹. قاعَة (سالن)؛ ترجمه: یکی از کارمندان در سالن فرودگاه گفت.
۶۰. الشَّرَّة (پاره‌آتش)؛ ترجمه: پاره‌ای از آتش است.
۶۱. کیف؟ (چگونه)؛ ترجمه: حال تو چگونه است؟ من خوبم.
۶۲. لا أَعْلَمُ (نمی‌دانم)؛ ترجمه: سخن «نمی‌دانم» نیمی از دانش است (نصف علم است).
۶۳. سافرت (سفر کرده‌ای)؛ ترجمه: آیا تاکنون به ایران سفر کرده‌ای، ای دوست من؟
۶۴. التَّجُوم (ستارگان)؛ ترجمه: خدا شب را با ستارگان آراست.
۶۵. الثَّغَرَة (ترو تازه)؛ ترجمه: آن درخت دارای شاخه‌های ترو تازه است.
۶۶. صارت (شد/گردید)؛ ترجمه: چگونه زمین سرسبز گردید؟
۶۷. تاکنون مسافرت نکرده‌ام، اما دوست دارم که مسافرت کنم.
۶۸. درخت از دانه‌ای رشد کرد و درختی بلند شد.
۶۹. و درباره‌ی درختان پرس‌وجو کرد و گفت چه کسی از آن میوه را بیرون می‌آورد؟
۷۰. و درباره‌ی آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند.
۷۱. مفرد مذکر: الحمد (ستایش)، اللقاء (دیدار)
۷۲. مفرد مؤنث: الشمس (خورشید)، الإسلامیة (اسلامی)، دَقَّة (دقت)، التَّارِ (آتش)
۷۳. مثنی مذکر: مطاران (دو فرودگاه)
۷۴. مثنی مؤنث: جذوتین (دو پاره‌آتش)
۷۵. جمع مذکر سالم: الصَّالِحُونَ (درستکاران)
۷۶. جمع مؤنث سالم: السَّمَاوَاتِ، فائزات (بَرَنده‌ها)
۷۷. جمع مکسر: الغُصُون (شاهه‌ها)؛ جمع الغُصْن، أنعم (نعمت‌ها)؛ جمع نَغْمَة، کواکب (ستارگان)؛ جمع کَوْکَب، أنجم (ستارگان)؛ جمع نجم، أبحاناً (پژوهش‌ها)؛ جمع بحث، عقارب (عقربه‌ها)؛ جمع عقْرَبَة
۷۸. الف (الف)؛ جمع مکسر / ب (ب)؛ جمع مکسر - الطَّيُور: جمع مکسر
۷۹. گزینه «۱»؛ الضَّامِّين جمع مذکر سالم. «الصائِم: روزه‌دار» است.
- ۸۰.

وزن	حروف اصلی	وزن	حروف اصلی	وزن	حروف اصلی
نَضْرَة	نضر	فَعِلَة	أحجار	حجر	أفعال
يُخْرِجُ	خرج	يُفْعِلُ	غالية	غلو	فاعِلَة
مُسْتَعِرَة	سعر	مُفْعِلَة	ملابس	لبس	مفاعِل
أَوْجَدَ	وجد	أَفْعَلُ	صَبَّار	صبر	فَعَال
أَنْعَمُ	نعم	أَفْعَلُ	مَسْمُوح	سمح	مَفْعُول
بَالِغَة	بلغ	فَاعِلَة	مُجَدِّد	جدد	مُفْعَل
تَعَاوَفَ	عرف	تَفَاعُلُ	يَتَفَقَّرُونَ	فکر	يَتَفَقَّلُونَ
أَشْرَفَ	شرف	أَفْعَلُ			

۱. سپاس - آسمان‌ها - قرار داد
۲. نگاه کن - شاخه‌های
۳. چگونه از دانه‌ای رشد کرد و چگونه درختی شد؟
۴. گزینه «۲» ۵. گزینه «۱» ۶. گزینه «۲»
۷. او همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.
۸. گزینه «۲» ۹. فشرده شده - باران ۱۰. گزینه «۲»
۱۱. پروردگارا - بیهوده ۱۲. السَّحاب (ابر) = الغيم (ابر)
۱۳. کثیر (زیاد) = قلیل (کم) ۱۴. الغَدُو (دشمن) = الصَّدِيق (دوست)
۱۵. الضَّيَاء (روشنایی) = الظُّلْمَة (تاریکی)
۱۶. أَثَّشاً (پدید آورد) = أَوْجَدَ (به وجود آورد)
۱۷. رَفَدَ (بستری شد) = نَامَ (فوابید) ۱۸. حَزَبَ (غمگین) = مَشْهُور (شاد)
۱۹. بَعِيد (دور) = قَرِيب (نزدیک) ۲۰. قَبِیح (زشت) = جَمِيل (زیبا)
۲۱. نِهَایَة (پایان) = بَدَایَة (آغاز) ۲۲. مَمْنُوع (غیرمجاز) = مَسْمُوح (مجاز)
۲۳. راسب (مردود) = نَاجِح (موفق)
۲۴. الله؛ ترجمه: او خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.
۲۵. الشَّمْس: ترجمه: در خورشید نور و حرارتی است و پاره‌آتش آن فروزان است.
۲۶. الغيم؛ ترجمه: ابر بخار فشرده در آسمان است که باران از آن فرود می‌آید.
۲۷. القمر؛ ترجمه: ماه سیاره‌ای است که دور زمین می‌چرخد و نور آن از خورشید است.
۲۸. الذَّرَر: ترجمه: زن خودش را با مرواریدها می‌آراید، در حالی که آن از سنگ‌های زیباست.
۲۹. حَبَّة: ترجمه: درخت از دانه‌ای رشد کرد.
۳۰. الفُسْتان: ترجمه: پیراهن زنانه از لباس‌های زنانه است که دارای رنگ‌های متنوعی است.
۳۱. الشَّرَّة: ترجمه: اخگر قطعه‌ای جداگانه از آتش خروشان است.
۳۲. الذَّرَر (مرواریدها) ۳۳. التَّجُوم (ستارگان)
۳۴. الشمس (خورشید) ۳۵. الغيم / السحاب (ابر)
۳۶. الحَبَّة (دانه) ۳۷. الغيمة جمع الغيوم (ابرها)
۳۸. الأَنعم مفرد التَّعْمَة (نعمت) ۳۹. الذَّرَر جمع الذَّرَر (مرواریدها)
۴۰. الحجر جمع الأحجار (سنگ‌ها) ۴۱. الغُصْن جمع الغُصُون (شاهه‌ها)
۴۲. الشَّجَر جمع الأشجار (درختان) ۴۳. الأنجم مفرد النجم (ستاره)
۴۴. ألوان مفرد لون (رنگ)
۴۵. گزینه «۳»؛ ۱- وَرَق (برگ) ۲- شَجَرَة (درخت) ۳- لَیْل (شب) ۴- غُصْن (شاهه)
۴۶. گزینه «۴»؛ ۱- کَثِیرَة (زیاد) ۲- مُنْهَمِرَة (فراوان) ۳- وَاَفَرَة (بسیار) ۴- جَذْوَة (پاره‌آتش)
۴۷. گزینه «۱»؛ ۱- مَطَار (فرودگاه) ۲- سَحَاب (ابر) ۳- مَطَر (باران) ۴- غَیم (ابر)
۴۸. گزینه «۲»؛ ۱- خَرَارَة (گرم‌ها) ۲- نَضْرَة (ترو تازه) ۳- جَذْوَة (پاره‌آتش)
- ۴- شَرَّة (افکر)
۴۹. گزینه «۱»؛ ۱- لَوْن (رنگ) ۲- شِتَاء (زمستان) ۳- زَبِيع (بهار) ۴- خَرِيف (پاییز)
۵۰. گزینه «۱»؛ ۱- أَكْبَر (بزرگ‌ترین) ۲- أَحْمَر (قرمز) ۳- أَخْضَر (سبز) ۴- أَزْرَق (آبی)
۵۱. ابر؛ ترجمه: نگاه کن به ابر پس کیست که از آن باران را فرود آورد؟
۵۲. ریزان؛ ترجمه: او همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.

۱۳۱. ترجمه: شما نامه‌هایتان را می‌نوشتید.

نوع فعل: کان + مضارع ← ماضی استمراری

۱۳۲. یک ربع به پنج

یک ربع به شش



۱۳۳. پنج و ربع

ده تمام



۱۳۴. چهار و نیم

هشت و نیم



۱۳۵. ذکرَت: ترجمه: ای دوست من آیا سخت را به یاد آوردی؟ (۲- به یاد آوردید

۳- خواندی)

۱۳۶. عَمَلْتُ: ترجمه: چه کار کردی ای مادر؟ (۲- انجام می‌دهد ۳- انجام داد)

۱۳۷. أَخْضَرُ: ترجمه: رنگ درخت سبز است. (۱- سفید ۳- سیاه)

۱۳۸. رَجَعُوا: ترجمه: دوستان از تعطیلات برگشتند. (۲- برگشتیم ۳- برگشت)

۱۳۹. بَلَغْتُ: ترجمه: کودکان در حیاط مدرسه بازی می‌کنند. (۲- باز می‌کند

۳- می‌گیرد)

۱۴۰. أَنْزَلُوا: ترجمه: لطفاً از ماشین پیاده شوید. (۱- بخواهید ۲- خواستند)

۱۴۱. لَا أَعْرِفُكَ: ترجمه: من تو را نمی‌شناسم تو کیستی؟ (۲- تو را نمی‌خواهم

۳- نشنستم)

۱۴۲. اِشْتَرَيْنَا: ترجمه: از بازار پیراهن زنانه‌ای خریدیم. (۱- برگشتیم ۲- خواندیم)

۱۴۳. مفرد مؤنث: تِلْكَ الْبَطَّارِيَّةُ (آن باتری)

۱۴۴. منثی مذکر: هَذَا التِّلْمِيزَانِ (این دو دانش‌آموز)

۱۴۵. منثی مؤنث: هَاتَانِ زَجَاجَتَانِ (این دو شیشه)

۱۴۶. جمع مذکر سالم: أُولَئِكَ الْفَائِزُونَ (آن رستگاران)

۱۴۷. جمع مؤنث سالم: هَؤُلَاءِ فَائِزَاتُ (این‌ها رستگاران)

۱۴۸. جمع مکسر: هَؤُلَاءِ الرِّجَالِ (این مردان)

پاسخ سوالات درس ۲

۱۵۳. پاداش - مرگش

۱۵۴. هفتاد

۱۵۵. در ترجمه «عَرَسَ»، «درو کرد» باید به صورت «کاشت» ترجمه شود -

در ترجمه «وَزَّرْتُ»، «به ارث برد» باید به صورت «ارث گذاشت» ترجمه شود.

۱۵۶. گزینۀ «۱»

۱۵۷. گزینۀ «۱»

۱۵۸. «كُلُوا» به معنای «بخورید» است. - «لَا تَفَرَّقُوا» به معنای «پراکنده

نشوید» است.

۸۱. هَذِهِ (تلك) السَّمَاوَاتِ - هَذِهِ (تلك) الْبَطَّارِيَّةُ - هَذَا (ذلك) التَّوَزُّ - هَذِهِ (تلك)

الْفُصُونِ - هَذِهِ (تلك) الثَّمَرَةُ - هَذِهِ (تلك) حِكْمَةُ - هَذَا (ذلك) الْمَطَرُ

۸۲. آن درختی است که هر روز آن را در باغ می‌بینیم.

۸۳. این مؤمنان در مسجدها نماز می‌خوانند.

۸۴. الَّذِي (در مورد اسم مذکر الله) ۸۵. الَّتِي (در مورد اسم مؤنث شمس)

۸۶. الَّتِي (در مورد اسم مؤنث شجرة) ۸۷. الَّذِي (در مورد اسم مذکر لیل)

۸۸. الَّتِي (در مورد اسم جمع غیر انسان «ملابس»)

۸۹. هَا ۹۰. هُوَ - ه ۹۱. كَيْفَ (پُكُونَهُ) ۹۲. مَنِ (په کسی)

۹۳. هَلْ (آیا) ۹۴. مَتَى (په زمانی) ۹۵. كَيْفَ (پُكُونَهُ) ۹۶. مَاذَا (په چیزی)

۹۷. الدَّرْسُ: موصوف - الأول: صفت/ ذات: مضاف - الغُصُونُ: مضافا اليه -

النَّضْرَةُ: صفت/ ذو: مضاف - حِكْمَةُ: مضافا اليه - بِالْعَقَةِ: صفت/ الدَّرَزُ: موصوف -

الْمُنْتَشِرَةُ: صفت/ مطار: مضاف - التَّجَفُّفُ: مضافا اليه - الْأَشْرَفُ: صفت/ صَبَاحُ:

مضاف - التَّوَرُّ: مضافا اليه/ حال: مضاف - كَ: مضافا اليه/ الْجُمْهُورِيَّةُ: موصوف -

الْإِسْلَامِيَّةُ: صفت - الْإِبْرَانِيَّةُ: صفت/ اسم: مضاف - كَ: مضافا اليه - الْكِرِيمُ: صفت

۹۸. أَنْظُرُ: فعل امر ۹۹. نَمَتَ: فعل ماضی

۱۰۰. اِبْحَثْ: فعل امر - قُلْ: فعل امر - يُخْرِجُ: فعل مضارع

۱۰۱. أُحِبُّ: فعل مضارع - أَسَافِرُ: فعل مضارع

۱۰۲. مَا كَانَ يَذْهَبُنَ: فعل ماضی استمراری

۱۰۳. سَوْفَ نَجْلِسُ: فعل مستقبل

۱۰۴. لَا تَنْظُرُ: فعل نهی

۱۰۵. تَشْرَبُونَ ۱۰۶. اِشْرَبُوا

۱۰۷. كُنْتُمْ تَشْرَبُونَ ۱۰۸. لَا تَشْرَبُوا

۱۰۹. سَوْفَ تَشْرَبُونَ / سَتَشْرَبُونَ ۱۱۰. شرب

۱۱۱. خَرَجْتُ ۱۱۲. أَخْرَجِي

۱۱۳. كُنْتُ تَخْرُجِينَ ۱۱۴. لَا تَخْرُجِي

۱۱۵. سَتَخْرُجِينَ / سَوْفَ تَخْرُجِينَ ۱۱۶. أَنْتِ

۱۱۷. الساعة التاسعة آلا ربعا ۱۱۸. الساعة السادسة و الزّرع

۱۱۹. الساعة الواحدة تماماً ۱۲۰. الساعة الثالثة و النّصف

۱۲۱. الرابع (فصل چهارم در سال، همان فصل زمستان است.)

۱۲۲. فضیة (نفر دوم جایزه نقره‌ای دارد.)

۱۲۳. الثلاثاء (روز وسط در روزهای هفته همان روز سه‌شنبه است.)

۱۲۴. ترجمه: و به راستی ما تحقیقاتی را خواهیم نوشت.

نوع فعل: سوف + مضارع ← مضارع مستقبل (آینده)

۱۲۵. ترجمه: با دقت می‌نوشتند.

نوع فعل: کان + مضارع ← ماضی استمراری

۱۲۶. ترجمه: روی دیوار ننویس.

نوع فعل: لای نهی + مضارع ← فعل نهی

۱۲۷. ترجمه: تمرین‌هایمان را ننوشتیم.

نوع فعل: ما + ماضی ← ماضی منفی

۱۲۸. ترجمه: شما با سرعت نمی‌نوید.

نوع فعل: لای نفی + مضارع ← مضارع منفی

۱۲۹. ترجمه: در جای خالی کلمات مناسب را قرار بده.

نوع فعل: صَعَّ ← فعل امر مخاطب

۱۳۰. ترجمه: تکالیفتان را بنویسید. نوع فعل: اَكْتُبُوا ← فعل امر مخاطب

ردیف	امتحان شماره ۳	پایه دهم دوره دوم متوسطه	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه	نمره	تاریخ امتحان: خردادماه	رشته: ریاضی فیزیک - علوم تجربی	امتحان نوبت دوم (پایان سال): عربی، زبان قرآن ۱
۱	ترجم ما تحتها خطاً. ۱- فيها ضياءً. ۳- جمال المرء فصاحةً لسانه.	۲- فَأَمْسَكَ عِنْدَهُ تَسْعِينَ جُزْأً.		۱/۲۵			
۲	اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ. (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ). دَنَا - سَلَّ - بَحَثَ عَنْ - بَعَدَ - فَتَشَّ - ظَهَرَ ۴- = ۵- ≠			۰/۵			
۳	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْعَرَبِيَّةَ. ۶- الْخُفَّاشُ ☐ الْفَرَسُ ☐ الشَّتَاءُ ☐ الْغُرَابُ ☐			۰/۲۵			
۴	اُكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَتَيْنِ. ۷- بَقَاعُ: ۸- غَامِلٌ:			۰/۵			
۵	ترجم الجملات. ۹- ﴿قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ ۱۰- لَهُ ذَاكِرَةٌ قَوِيَّةٌ وَ سَمْعُهُ يَفُوقُ سَمْعَ الْإِنْسَانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ. ۱۱- مَنْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدًا يَدْعُو إِلَى التَّفْرِيقِ فَهُوَ عَمِيلُ الْغَدُوِّ. ۱۲- قَدْ تَفَتَّشَ عَيْنُ الْحَيَاةِ فِي الظُّلُمَاتِ ۱۳- يَسْحَبُ الْإِعْصَارُ الْأَسْمَاكَ إِلَى مِيَاهِ الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ. ۱۴- كُلُوا جَمِيعًا وَ لَا تَفْرَقُوا فَإِنَّ الْبَرَكَهَ مَعَ الْجَمَاعَةِ. ۱۵- فَكَمْ تَمَرَّرَ عَيْشِي وَ أَنْتَ حَامِلٌ شَهْدٍ ۱۶- إِذَا وَقَعَ نَظَرُهَا عَلَى سَمَكَةِ الْقَرَشِ تَتَجَمَّعُ بِسُرْعَةٍ حَوْلَهَا.			۰/۵ ۰/۵ ۰/۷۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۷۵			
۶	إِنتَخِبِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ. ۱۷- إِلَهِي قَدْ انْقَطَعَ رَجَائِي عَنْ الْخَلْقِ. ۱۸- يَلَاحِظُ النَّاسُ غَيْمَةً سَوْدَاءَ لِمَدَّةٍ سَاعَتَيْنِ. ۱۹- كَمَلِ الْفَرَائِغَ فِي التَّرْجُمَةِ. ۲۰- أَلِلْغُرَابُ صَوْتٌ يَجْذُرُ بِهِ بَقِيَّةُ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعِدَ سَرِيعًا. كِلَاغَ دَارِدُ كِه بَا آن بِه سَايِر حَيَوَانَات تَا بِه سُرْعَت ۲۱- أَيْحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ. آيَا كَسِيٍّ أَوْ شَمَا كِه بَرَادِرُ مَرْدَهَاش رَا، پَسِ آن رَا نَپَسَنَدُ مِي دَارِيدُ.	☐ (۱) خدای من، امیدم از مردم قطع شده است. ☐ (۲) خدایا امیدم را از مردم قطع کن. ☐ (۱) مردم برای دو ساعت ابر سیاه را مشاهده می کردند. ☐ (۲) مردم ابری سیاه را برای مدت دو ساعت ملاحظه می کنند.		۰/۵			
۷	کَمَلِ الْفَرَائِغَ فِي التَّرْجُمَةِ. ۱۹- لِّلْغُرَابِ صَوْتٌ يَجْذُرُ بِهِ بَقِيَّةُ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعِدَ سَرِيعًا. كِلَاغَ دَارِدُ كِه بَا آن بِه سَايِر حَيَوَانَات تَا بِه سُرْعَت ۲۰- أَيْحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ. آيَا كَسِيٍّ أَوْ شَمَا كِه بَرَادِرُ مَرْدَهَاش رَا، پَسِ آن رَا نَپَسَنَدُ مِي دَارِيدُ.			۱/۵			
۸	ترجم الكلمات التي تحتها خطاً. ۲۱- تَخَرَّجْنَا مِنَ الْجَامِعَةِ. ۲۲- اسْتَخْدَمْتُ نَقُودًا وَرَقِيَّةً. ۲۳- اُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ ۲۴- ﴿وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا﴾ ۲۵- نَعْتِي كَالطُّيُورِ. ۲۶- أَجَبْتِي هَجْرُونِي ۲۷- جَذَوْتُهَا مُسْتَعْرَةً. ۲۸- حَتَّى ذَابَ التُّحَاثُ.			۲			
۹	عَيِّنِ نَوْعَ الْفِعْلِ. ۲۹- أَحْبَبْتُ إِلَى النَّاسِ. ۳۰- أَنْتَ لَا تَكْتَبِنَ بِسُرْعَةٍ. ۳۱- سَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ. ۳۲- حَبَّرْتُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ النَّاسِ.			۱			

پاسخ امتحان شماره (۳)

۱. نور (۰/۲۵)
۲. نگاه داشت، نود (۰/۵)
۳. المرء: انسان، فصاحة: شیوایی (۰/۵) ۴. بَحَثَ عَنْ = فَتَّشَ (۰/۵)
۵. ذَنَّا ≠ بَعَدَ (۰/۵) ۶. الشَّتَاءُ (۰/۲۵)
۷. بُقِعَةَ (۰/۲۵) ۸. عُمَال (۰/۲۵)
۹. گفت به راستی من می‌دانم (۰/۲۵) آن چه را شما نمی‌دانید. (۰/۲۵)
۱۰. او حافظهٔ نیرومندی دارد (۰/۲۵) و شنوایی‌اش ده بار فراتر از شنوایی انسان (۰/۲۵) است.
۱۱. هر کس از شما کسی را ببیند (۰/۲۵) که به تفرقه دعوت می‌کند (۰/۲۵)، پس او مزدور دشمن است. (۰/۲۵)
۱۲. گاهی چشمهٔ زندگی (۰/۲۵) در تاریکی‌ها جست‌وجو می‌شود. (۰/۲۵)
۱۳. گردباد ماهی‌ها را به سوی (۰/۲۵) آب‌های اقیانوس اطلس می‌کشد. (۰/۲۵)
۱۴. همگی بخورید و پراکنده نشوید (۰/۲۵)، زیرا برکت با جماعت است. (۰/۲۵)
۱۵. پس چه قدر زندگی مرا تلخ می‌کنی (۰/۲۵) در حالی که تو آورندهٔ عسلی (شیرینی هستی). (۰/۲۵)
۱۶. هر وقت که چشمان (۰/۲۵) به کوسه‌ماهی افتد (۰/۲۵)، به سرعت دور او جمع می‌شوند. (۰/۲۵)
۱۷. گزینۀ «۱» (۰/۲۵)
۱۸. گزینۀ «۲» (۰/۲۵)
۱۹. صدایی (۰/۲۵) هشدار می‌دهد (۰/۲۵)، دور شوند (۰/۲۵)
۲۰. دوست دارد (۰/۲۵)، گوشت (۰/۲۵)، بخورد (۰/۲۵)
۲۱. دانش آموخته شدید (۰/۲۵) ۲۲. کاغذی (۰/۲۵)
۲۳. فرابخوان (۰/۲۵) ۲۴. ملت‌ها (۰/۲۵)
۲۵. آواز می‌خواند (۰/۲۵) ۲۶. مرا ترک کردند (۰/۲۵)
۲۷. فروزان (۰/۲۵) ۲۸. مس (۰/۲۵)
۲۹. فعل امر (۰/۲۵) ۳۰. فعل نهی (۰/۲۵)
۳۱. فعل مستقبل (۰/۲۵) ۳۲. فعل ماضی (۰/۲۵)
۳۳. گزینۀ «۲» (۰/۲۵) ۳۴. گزینۀ «۱» (۰/۲۵)
۳۵. زده شد - گوش کنید (۰/۵) ۳۶. تَحَرَّجْنَا (۰/۲۵)
۳۷. تَشَاهَدُ (۰/۲۵) ۳۸. تَجَمَّعَ (۰/۲۵)
۳۹. يَكَاتِبُ (۰/۲۵) ۴۰. أَكْرَمَ (۰/۲۵)
۴۱. انْقَلَبَ (۰/۲۵)
۴۲. كَبَّرْتُ (۰/۲۵) - لَا تُكَبِّرِي (۰/۲۵) - كَبَّرِي (۰/۲۵) - تَكْبِير (۰/۲۵)
۴۳. تُجَالِسُونَ (۰/۲۵) - لَا تُجَالِسُوا (۰/۲۵) - جَالِسُوا (۰/۲۵) - مُجَالَسَةٌ (۰/۲۵)
۴۴. الْفَلَّاحُونَ (۰/۲۵) ۴۵. الْمَاءُ (۰/۲۵)
۴۶. الْأَرْضِ (۰/۲۵) ۴۷. عَشْرِينَ (۰/۲۵)
۴۸. الضَّيَافَةُ: الحِفَافُ عَلَى الْأَشْيَاءِ (۰/۲۵)
۴۹. الذَّنْبُ: يَحْرُكُهُ الْحَيَوَانُ غَالِباً ... (۰/۲۵)
۵۰. الْيَوْمَةُ: تَنَامُ فِي النَّهَارِ ... (۰/۲۵)
۵۱. الدَّرَزُ: مِنَ الْأَحْبَارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ. (۰/۲۵)
۵۲. لَيْسَ كِتَاباً. (۰/۲۵) ۵۳. الزَّرُّ مَعَ الدَّجَاجِ (۰/۲۵)
۵۴. لِيَجْهَلَهُمْ فِي كَيْفِيَّةِ إِدَارَةِ الْحَيَاةِ (۰/۲۵)
۵۵. يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ نَضَعَ لِأَنْفُسِنَا نِظَاماً مُعَيَّناً لِحَيَاتِنَا (۰/۲۵)
۵۶. يَعِيشُ بِشَكْلِ غَيْرِ مَنْظَمٍ وَ لَا يَهْتَمُّونَ بِالْوَقْتِ (۰/۲۵)
۵۷. كُلُّ فَاعِلٍ (۰/۲۵)

پاسخ امتحان شماره (۴)

۱. چشمه‌ها، زبان (۰/۵) ۲. سالانه (۰/۲۵)
۳. تلفن همراه، خالی می‌شود (۰/۵) ۴. گریه ≠ جمیل (۰/۲۵)
۵. نَهَبَ = سَرَقَ (۰/۲۵) ۶. شَرَّةَ (۰/۲۵)
۷. ذُنُوب (۰/۲۵) ۸. مِتر (۰/۲۵)
۹. دلفین‌ها کوسه‌ماهی را دشمن خود (۰/۲۵) به حساب می‌آورند. (۰/۲۵)
۱۰. چه کسی است که خورشید را در فضا (۰/۲۵) مانند پارهٔ آتشی پدید آورد؟ (۰/۲۵)
۱۱. کلاغ صدایی دارد (۰/۲۵) که با آن به سایر حیوانات هشدار می‌دهد (۰/۲۵) تا به سرعت دور شوند. (۰/۲۵)
۱۲. پافشاری بر نقاط اختلاف (۰/۲۵) و بر دشمنی جایز نیست. (۰/۲۵)
۱۳. زمین پوشیده از ماهی‌ها می‌گردد (۰/۲۵) و مردم آن‌ها را می‌گیرند. (۰/۲۵)
۱۴. اندازهٔ قامت زرافه (۰/۲۵) شش متر است. (۰/۲۵)
۱۵. خدا در زمین از رحمت یک بخش را (۰/۲۵) نازل کرد (۰/۲۵) و از آن مردم به هم مهربانی می‌کنند. (۰/۲۵)
۱۶. پیام اسلام در گذر زمان‌ها براساس منطق (۰/۲۵) استوار بود. (۰/۲۵)
۱۷. گزینۀ «۲» (۰/۲۵) ۱۸. گزینۀ «۱» (۰/۲۵)
۱۹. استخوان پوسیدهٔ مرا (۰/۲۵)، دوستی/ عشق (۰/۲۵)، می‌یابی (۰/۲۵)
۲۰. هدیه‌های (۰/۲۵)، آوردند (۰/۲۵)، نپذیرفت (۰/۲۵)
۲۱. مشاهده می‌کرد (۰/۲۵) ۲۲. آزموده (۰/۲۵)
۲۳. سوت می‌زند (۰/۲۵) ۲۴. دشمنانم (۰/۲۵)
۲۵. مزدور (۰/۲۵) ۲۶. وزید (۰/۲۵)
۲۷. آب‌ها (۰/۲۵) ۲۸. گردباد (۰/۲۵)
۲۹. ماضی (۰/۲۵) ۳۰. مضارع (۰/۲۵)
۳۱. ماضی (۰/۲۵) ۳۲. نهی (۰/۲۵)
۳۳. گزینۀ «۲» (۰/۲۵) ۳۴. گزینۀ «۱» (۰/۲۵)
۳۵. ریشخند نکنند - بهتر از خودشان (۰/۵)
۳۶. لَا تَفْرَقُوا (۰/۲۵) ۳۷. اسْتَغْفِرَ (۰/۲۵)
۳۸. تَشْرِيفَ (۰/۲۵) ۳۹. يُجَالِسُ (۰/۲۵)
۴۰. تَعَلَّمَ (۰/۲۵) ۴۱. اِكْتَسَبَ (۰/۲۵)
۴۲. اجْتَمَعْتُمْ (۰/۲۵) - اجْتَمِعُوا (۰/۲۵) - اجْتِمَاعُ (۰/۲۵)
۴۳. تَنَقَّلْتُمْ (۰/۲۵) - لَا تَنَقَّلُوا (۰/۲۵) - انْقَلَبُوا (۰/۲۵) - انْقِلَابُ (۰/۲۵)
۴۴. الْمُنْكَبَرُ (۰/۲۵) ۴۵. الزَّجَلُ (۰/۲۵)
۴۶. التَّصِيحَةُ (۰/۲۵) ۴۷. أَرْبَعَةُ (۰/۲۵)
۴۸. يَضْفَرُ: يَصَوِّتُ بِفِيهِ وَ شَفْتَيْهِ. (۰/۲۵)
۴۹. الموسوعة: معجمٌ كبيرٌ جداً ... (۰/۲۵)
۵۰. الموحّد: من يَعتقدُ بوحدانيّةِ الله. (۰/۲۵)
۵۱. المُخْتَال: في مشيه متكبّر. (۰/۲۵)
۵۲. نعم لي معلّوماتٌ عنهُ. (۰/۲۵)
۵۳. في الحقيقة فُرْشاةُ الأسنان والمنشقة ... (۰/۲۵)
۵۴. أَلَا نَسَبُ معبوداتهم. (۰/۲۵)
۵۵. يُوَكِّدُ عَلَى حَرْيَةِ العقيدة. (۰/۲۵)
۵۶. معبودات (۰/۲۵)
۵۷. فاعل (۰/۲۵)